

# نگاه آمریکایی به انقلاب ایران

## مقدمه

پس از پیروزی انقلاب ایران کتب بسیاری در این زمینه توسط نویسندگان غیرایرانی به رشته تحریر درآمد. بخشی از آنها جنبه غیرعلمی و روزنامه‌نگارانه دارد و بخش دیگر با رویکرد علمی نگاشته شده است. البته غیر علمی بودن به معنای نادرست یا بی‌اهمیت بودن نیست و منظور فقط برخوردار نبودن از روش‌های پذیرفته شده در محافل علمی جهت بررسی مسئله است و اینکه غالباً جنبه توصیفی و تاریخ‌نگاری دارند. در میان این‌گونه کتب رویکرد تئوری توطئه زیاد به چشم می‌خورد. کتاب حاضر نیز چنین شائبه‌ای را در خواننده ایجاد می‌کند. اما به دلیل شغل نویسنده (کارمند عالی رتبه سفارت آمریکا در ایران) و حضور چهار ساله‌اش در ایران، آشنایی با زبان فارسی، آشنایی با چند تن از نخبگان سیاسی رژیم پهلوی و تماسها و ملاقاتهای مکرر با برخی سران انقلابی، کتاب حاضر خصوصاً خاطرات موجود در آن در خور توجه است.

این کتاب با شیوه توصیفی - تاریخی، بدون اتکا به چارچوب نظری به رشته تحریر درآمد. البته تحلیلهایی از جانب نویسنده ارائه می‌شود که تأثیرپذیری وی از نظریه توسعه ناموزون و توقعات فزاینده را نشان می‌دهد. محدوده زمانی مورد توجه نگارنده از سالهای پایانی قاجار تا سال نخست جنگ ایران و عراق است.

کتاب در پانزده بخش تدوین شده که در ادامه به معرفی کوتاه هر بخش خواهیم پرداخت و در خاتمه نقاط قوت و ضعف آن بررسی می‌شود. اما پیش از معرفی محتوای کتاب ذکر یک نکته ضروری است. در نقد و بررسی کتبی از این دست گاهی با دو نظر رو به رو می‌شویم. برخی این کتب را سرشار از تحریف و مغالطه می‌دانند.

## ابوالفضل رحیمی شاد

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب

زیرا معتقدند نویسندگان غربی مخالف انقلاب، درصد خراب کردن چهره واقعی انقلاب‌اند، خصوصاً اگر نویسنده آمریکایی باشد.

در مقابل عده‌ای این کتب را معتبرتر از کتب فارسی نگاشته شده در داخل می‌دانند، زیرا معتقدند، نویسنده با شرح و توصیف واقعیت سود یا زیانی نخواهد برد. بلکه سعی می‌کند با ذکر مطالب مستند و دقیق وجهه خود را حفظ نماید. نگارنده معتقد است ضمن قبول و بررسی این دو رأی در جای خود بهتر است اهل تحقیق به جای نقد انگیزه هم خود را بیشتر مصروف نقد اندیشه کنند. نقد انگیزه اگر در جای خود معتبر است اما نباید جایگزین نقد اندیشه شود.

## بررسی کتاب

در اینجا بخشهای پانزده‌گانه کتاب را با همان ترتیب و عناوینی که در کتاب آمده، مرور می‌کنیم

### زمینه تحول:

در این بخش گوشه‌ای از تاریخ ایران (اواخر قاجار تا سقوط پهلوی) به طور اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد. معرفی موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، توجه روس و انگلیس به آن، تأثیرات جنگ اول جهانی، ظهور خاندان پهلوی، توسعه سریع اقتصادی و صنعتی، فقدان توسعه سیاسی، حذف رضاشاه، شکل‌گیری جریان‌های سیاسی و قرار داشتن روحانیت در صف اول مبارزه با بیگانگان، تحولات ساختار اجتماعی و تغییر ترکیب طبقاتی ایران محتوای این بخش را تشکیل می‌دهد. در خاتمه با بررسی شخصیت استبداد زده ایرانیان از خانواده تا دولت پیش‌بینی می‌کند که حکومت جدید نیز این وضع را تغییر نخواهد داد.

تحول سیاسی - آغاز: در این بخش ابتدا به

## درون انقلاب ایران

دکتر جان دی. استمبل

ترجمه  
دکتر منوچهر شجاعی



مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

## درون انقلاب ایران

جان. دی. استمبل

منوچهر شجاعی

مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

۱۳۷۷، ۴۶۴ صفحه، ۶۰۰۰ نسخه، ۱۷۰۰ تومان



تشریح ساخت سیاسی متمرکز رژیم و شخصیت اقتدارگرایی شاه اشاره می‌کند و این دو را مانع اصلی توسعه عنوان می‌کند. در ضمن معتقد است که ظاهراً شاه در آن شرایط چاره‌ای جز این نداشت و با وجودی که پایگاه مردمی خود را از دست داد، توانست گام‌های بلندی جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور بردارد. در ادامه به نقش بستگان شاه در برنامه‌های سیاسی و اقتصادی می‌پردازد و کارکرد دولت، بنیاد پهلوی، ساواک و ارتش را توضیح می‌دهد. ترکیب این موارد را ریشه نارضایتیها عنوان می‌کند که شاه نیز متوجه آن شد و درصدد تغییر برآمد اما این اعمال را نیز نادرست می‌داند، خصوصاً که در زمان مناسب آن صورت نگرفت.

تکراری است و حذف آن هیچ تأثیری در روند کار ندارد. اشاره به مواردی همچون: بیماری شاه، واقعه سینما رکس آبادان، اختلاف آیت‌الله خمینی و آیت‌الله شریعتمداری، عدم برخورد قاطع با شورشیان، ماجرای ۱۷ شهریور و... که در طول کار و سایر بخشها نیز مطرح شده است.

#### تردیدهای شاه - بسیج مخالفین: در این بخش

نخست به توضیح وضع روانی - شخصیتی شاه پرداخته می‌شود و با ذکر جمله‌ای از شاه به این مضمون که (حاضر نیستم به خاطر خودم ملت را نابود کنم) به گونه‌ای ساده‌لوحانه وی شخصی احساساتی و مردم‌دوست معرفی می‌شود و همین ویژگی نیز از دیگر دلایل سقوط رژیم عنوان می‌گردد. سپس، مسئلهٔ اخراج امام از نجف و اقامت ایشان در پاریس بازگو می‌شود که به زعم نویسنده بسیار به نفع ایشان و ضرر شاه تمام شد. همچنین رد پیشنهاد ترور امام از جانب شاه و دورویی جبهه ملی و نهضت آزادی در گردش از مشروطه‌خواهی به انقلاب در ماه‌های واپسین عمر رژیم به دلیل حذف نشدن از صحنه رقابت دیگر مطالب این بخش است.

سراشیب سقوط: بحران ماههای آخر، روی کار آمدن ازهاری، تشدید اعتصابات، مخالفت با آمریکا خروج خارجیها از کشور، فرار بستگان شاه، راهپیمایی تاسوعا و عاشورا و باز هم عدم برخورد با انقلابیون مطالب نیمه اول این بخش است. سپس به تغییر شعارها از حالت سلبی به ایجابی و ابراز تمایل به حکومتی دینی اشاره می‌کند و باز مطلبی می‌نویسد که تقویت‌کننده احتمال

خصوصاً اینکه بیماری وی در این دوران شدت گرفته بود. در انتهای این بخش بدون ذکر نام به رفت و آمدهای برخی روحانیون در سال ۱۹۷۷ به سفارت آمریکا اشاره می‌کند و همین موارد را عامل پذیرش تئوری توطئه از جانب برخی افراد در انقلاب ایران می‌داند. البته در بخشهای بعدی به موارد دیگری نیز اشاره می‌کند.

#### روپارویی اجتناب‌ناپذیر: آنچه به عنوان عامل

شتابزا در تئوریهای انقلاب وجود دارد، محتوای این بخش را تشکیل می‌دهد. برخورد غلط شاه با روحانیت، مقالهٔ روزنامهٔ اطلاعات (رشیدی مطلق)، ورود کارتر در کریسمس به ایران، اختلاف نظر نخبگان سیاسی حاکم از جمله مواردی است که به عقیده نویسنده هیژم انقلاب را شعله‌ور ساخت. البته تغییر قیمت نفت، مشکلات اقتصادی، تورم جمعیت در شهرها، سازماندهی مجدد گروههای سیاسی و تعویض سران حکومت توسط شاه نیز جایگاه مناسبی در تحلیلهای وی دارد. در اینجا نیز مسئله‌ای را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد برخی افراد در آمریکا از برهم خوردن اوضاع در ایران خوشحال می‌شدند. (اشاره به سخنرانی مایر سفیر آمریکا در سالهای ۴۳ - ۱۳۴۱ در ایران، که در شرایط شروع بحران‌ها و نارضایتیهای مردم و مخالفتشان با آمریکا عنوان کرد که امینی، کاندیدای آمریکا برای نخست وزیر بود، و این مسئله در ایران بازتابی خشن داشت).

میان پرده گمراه‌کننده: مطالب این بخش

#### تحول سیاسی - مخالفین: در این بخش روحیه

بیگانه ستیزی ایرانیان مجدداً تشریح شده و مصادیق تاریخی آن را نشان می‌دهد. نویسنده مخالفین شاه را در دو گروه روحانی و غیر روحانی جای می‌دهد و ائتلاف آنها را از مهم‌ترین علل شکل‌گیری و پیروزی انقلاب می‌داند.

به دنبال توضیح زمینه‌سازیهای شریعتی و دکنترین ولایت فقیه امام، آنچه اسکاچپل راجع به انقلاب ایران ابراز داشته مطرح می‌شود. (ساخته شدن انقلاب ایران نه اتفاق افتادن آن). بالاخره به اعلان فضای باز سیاسی به علت فشار دولت کارتر بر شاه و مهیا شدن زمینه فعالیت مخالفان خصوصاً جبهه ملی، نهضت آزادی، فدائیان و مجاهدین اشاره می‌کند و این را نیز در کنار ائتلاف، علت مهمی در شکل‌گیری انقلاب قلمداد می‌کند.

#### آمریکا در ایران: در این بخش تاریخچه ورود

آمریکا به ایران و نفوذش در حکومت پهلوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مسائلی چون رقابت آمریکا با روس و انگلیس، دخالت در امور داخلی ایران، وابستگی ساختاری و روانی رژیم و شخص شاه به آمریکا مد نظر نویسنده است و به نقد آنها می‌پردازد. مثلاً وابستگی تام رژیم به آمریکا یا امکان دخالت‌های آمریکا در تمام شئون سیاسی ایران را رد می‌کند و به موارد مخالفتهای شدید شاه با رؤسای جمهور آمریکا اشاره می‌کند. اما برخلاف این اظهار نظرها، فشار کارتر جهت اعلان فضای باز سیاسی و کاهش فروش تسلیحات نظامی را دو شوک روحی شدید برای شاه می‌داند.

برخورد غلط شاه با روحانیت، مقاله روزنامه اطلاعات (رشدی مطلق)،  
 ورود کارتر در کریسمس به ایران،  
 اختلاف نظر نخبگان سیاسی حاکم از جمله مواردی است که  
 به عقیده نویسنده هیزم انقلاب را شعله ور ساخت.  
 البته تغییر قیمت نفت، مشکلات اقتصادی،  
 تورم جمعیت در شهرها، سازماندهی مجدد گروههای سیاسی  
 و تعویض سران حکومت توسط شاه نیز جایگاه مناسبی  
 در تحلیلهای وی دارد

نویسنده در مورد ضعف عملکرد و اطلاعات آمریکاییها می نویسد  
 اختلاف سیا با وزارت خارجه  
 به دلیل گوناگونی اطلاعات در دسترس هریک بود



توطئه است. مصاحبه‌ای از کارتر که در تاریخ ۷  
 دسامبر یعنی ۶۴ روز پیش از پیروزی انقلاب را  
 می‌آورد و معتقد است در این مصاحبه کارتر  
 پیشاپیش پرونده شاه را بست و به سلطنت خاتمه  
 داد.

این نتیجه‌گیری از پاسخ کارتر به سؤال  
 راجع به حکومت آتی در ایران برآمده است: «ما  
 دوست داریم شاه هم در دولت آینده نقشی داشته  
 باشد، اما خواست اصلی به مردم ایران  
 برمی‌گردد». انتهای این بخش به ماجرای  
 نخست‌وزیری بختیار تا شب ۲۲ بهمن می‌پردازد.

بدست گرفتن قدرت: در این بخش، جریانات  
 پس از ورود امام، تلاش بختیار جهت آرام ساختن  
 اوضاع و بی‌نتیجه ماندن آن، نقش چریکها و  
 مجاهدین در پیروزی انقلاب، مخالفت مشترک  
 چریکها و مجاهدین (چیپها) و روحانیت با دولت  
 موقت، مأموریت هایزر در تهران و بالاخره مساله  
 فرار بستگان رژیم و مستشاران خارجی و رقابت  
 انقلابیون برای ضبط و استفاده از اموال شخصی  
 آنها بررسی شده است.

طلوع عصر اسلام: این بخش حاوی مطالبی  
 است تاریخی - استدلالی و می‌تواند موضوعات  
 متنوع تحقیقی از دل آن به منظور بررسی صحت  
 و سقم مطالب خارج شود. نهضت آزادی و رهبر  
 آن بازرگان، روحانیت انقلابی و امام و مسائل  
 پیرامون آنها محتوای این بخش را تشکیل داده  
 است. اختلاف نظرهای بازرگان با چیپها و امام  
 در مسائلی چون «رابطه با آمریکا»، اشغال سفارت،  
 اعدام‌های سریع و حساب نشده، تشکیل کمیته و  
 دخالت آنها در امور کشور و از همه مهم‌تر پیش‌نویس  
 قانون اساسی بخشی از این مطالب‌اند. در ادامه  
 نظراتش را درباره امام و عملکرد ایشان بیان  
 می‌کند.

تبلور بحران در قالب یک نهاد اجتماعی: محور  
 اصلی این بخش رویارویی میان‌روها و تندروها  
 به ویژه در جریان گروگانگیری و تصویب قانون  
 اساسی است.

در مورد گروگانگیری اعضاء سفارت آمریکا  
 به مواردی چون عواقب اقتصادی - سیاسی ناگوار  
 آن برای ایران، تلاشهای بی‌نتیجه دولت موقت  
 و بنی‌صدر و در مقابل، کسب امتیاز این جریان  
 توسط روحانیت خصوصاً آیت‌الله بهشتی با به  
 میان آمدن پای الجزایریها و بالاخره بهره‌ای که

## تحلیلهایی از جانب نویسنده ارائه می شود که تأثیرپذیری وی از نظریه توسعه ناموزون و توقعات فزاینده را نشان می دهد

ایرانیها می توانستند از آن شرایط به وجود آمده ببرند که با طرح درخواستهای نامعقول فرصت را از دست دادند، اشاره می کند.  
در مورد قانون اساسی نیز به بخشهای پیرامون آن و مخالفتهای بعضی از مراجع و رأی ندادن ایشان به قانون اساسی می پردازد.

بن بست درماندگی: بحث این قسمت مجدداً با عواقب گروگانگیری و بهره برداری شوروی از شرایط ایجاد شده آغاز می شود. سپس نویسنده به سراغ فعالیتها و تلاشهای حزب جمهوری جهت بلوکه کردن قدرت می رود و تلاش می کند تا نشان دهد آنچه این حزب می خواست همه قدرت بود نه سهمی از آن و شواهدی برای اثبات این مدعا گردآوری کرده است.

مثلاً راجع به اولین انتخابات مجلس می نویسد: حزب جمهوری ۱۳۰ کرسی از ۲۱۰ کرسی مجلس را از آن خود کرد، اما به این هم راضی نبود، چرا که ۶۰ نفر از منتخبین مردم را که از اعضای حزب نبودند به بهانه جاسوسی به استناد مدارک مکشوفه از سفارت از ورود به مجلس بازداشت و رأی آنها را باطل کرد و سودی که از این عمل بردند حذف رقیب در سایر عرصه ها و تحمیل نخست وزیر مورد نظرشان (رجایی) به رئیس جمهور وقت (بنی صدر) بود.

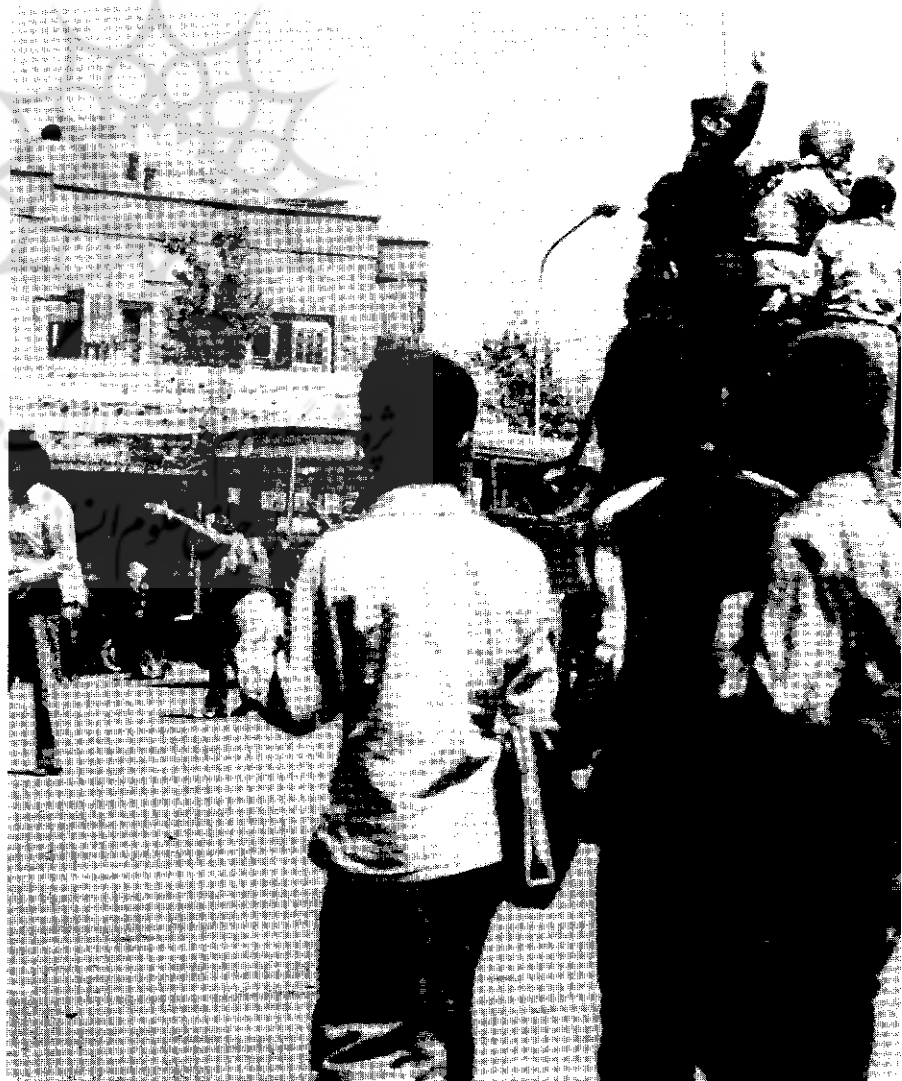
انتخاب و تحول ایران: بیشتر مطالب این بخش تکراری است که می شود در این میان به تصمیمات زیرکانه رهبر، امکانات شاه جهت رویارویی با مخالفین، شکست ائتلافها پس از پیروزی، استفاده تام از مذهبها پس از گذشت چند ماه از پیروزی، برخورداری مسئولین از ایدئولوژی حذفی تا جذبی و بالاخره عدم کارایی ارتش اشاره کرد.

در انتها جملاتی سؤالی که همه با «چه می شد اگر...» آغاز می شوند آورده شده که بیشتر آنها می تواند ایده ای جهت آغاز یک کار پژوهشی باشد. مثلاً چه می شد اگر شاه زمینه مشارکت سیاسی مخالفین را فراهم می کرد؟ چه می شد اگر در همان آغاز منازعه شورای سلطنت پذیرفته و تشکیل می شد؟ چه می شد اگر به جای تبعید [آیتا...] خمینی ایشان را اعدام می کرد؟ و چه می شد اگرهای دیگر.

این قسمت گرچه مختصر است اما می توان آن را بحث انگیزترین بخش کتاب خواند. در

نویسنده مخالفین شاه را در دو گروه روحانی و غیر روحانی جای می دهد و ائتلاف آنها را از مهم ترین علل شکل گیری و پیروزی انقلاب می داند

بزرگ جلوه دادن برخی وقایع و از قلم انداختن وقایع دیگر این گمان را تقویت می کند که نویسنده درصدد تلقین مدعیات خود به خواننده است





ضمن پاسخهای فرضی نویسنده به سؤالات خود نیز خواندنی است.

انتخاب و تحول، آمریکا در صفحات این بخش با کارهایی که ایالت متحده به زعم نویسنده می‌توانست انجام دهد تا جلوی انقلاب را بگیرد آشنا می‌شویم. در ضمن مسائلی عنوان می‌شود که می‌تواند تقویت‌کننده مجدد تئوری توطئه باشد.

نویسنده در مورد ضعف عملکرد و اطلاعات آمریکاییها می‌نویسد اختلاف سیا با وزارت خارجه به دلیل گوناگونی اطلاعات در دسترس هر یک بود. نویسنده با اشاره به نامه‌ای که دو سال قبل از انقلاب ایران تاریخ و شماره شده و در آن امام خمینی، شهید بهشتی، بختیار و بازرگان به عنوان رهبران وقایع آینده مطرح شده‌اند و در سفارت موجود است، می‌گوید که آمریکا می‌بایست با برقراری رابطه با آنها بر این جریان تأثیر می‌گذاشت.

جالب اینکه می‌گوید در چنین وضعی و با وجود چنین نامه‌ای سازمان سیا ایران را حتی در وضعیت پیش از انقلاب هم تصور نمی‌کرد. با مطالعه کتاب جزئیات بیشتری در این باب خواهید خواند.

**اهمیت انقلاب ایران:** در بخش پایانی کتاب به تأثیر انقلاب بر روند امور داخلی و جریانات بین‌المللی پرداخته می‌شود. بی‌ثبات شدن منطقه، به خطر افتادن منافع ایالات متحده، ترس از ترویج بنیادگرایی در کشورهای همسایه، جنگ ایران و عراق، افراطی‌گریهای مذهبیون، اعمال خلاف عرف بین‌الملل، ضعفهای بنیادی تئوریک و فلسفی انقلاب، سخت‌گیری بر مردم، تضعیف علوم انسانی در دانشگاهها و... رؤس مطالبی است که آورده شده. در پایان کتاب مجدداً تحلیلی برای شکل‌گیری انقلاب، چرایی و چگونگی آن با مضامین تئوری توقعات فزاینده البته بدون اشاره مستقیم به آن انجام می‌شود.

#### نقاط قوت کتاب

- ۱- شرح وقایع به همراه تاریخ دقیق و بررسی آن از جوانب و رویکردهای مختلف و عدم اکتفا به واقعه‌نگاری.
- ۲- اشمال بر اطلاعاتی که تنها فردی آشنا به دیگر سوی ماجرا می‌تواند داشته باشد.
- ۳- گذر از توصیف و پرداختن به تحلیل گرچه

مبنای تئوریک ندارد.

۴- دسته‌بندی منطقی مطالب و تسلسل بخشهای کتاب.

- ۵- ترجمه ساده، روان و بی‌تکلف.
- ۶- وفاداری مترجم به متن حتی مواقعی که عبارات و واژه‌ها و اسامی گاهی با عرف و فرهنگ جامعه ما ناهمخوان است.
- ۷- ذکر خطاهای نویسنده حتی در قید نامها.

#### کاستی‌های کتاب

- ۱- عدم رعایت بی‌طرفی و انتخاب گزینشی تاریخ به شکلی که می‌توان آن را در بعضی موارد تحریف تاریخ خواند.
- ۲- گرچه نویسنده قبل از انقلاب و در جریان آن در ایران بوده، خواست مردم و اقدامات آنها نمی‌بایست از چشم او پنهان مانده باشد. اما اثری از آن دیده نمی‌شود و انقلاب را بر مبنای عملکرد نخبگان بررسی کرده است.
- ۳- تکرار مطالب، فراوان به چشم می‌آید، تا جایی که بسیاری از صفحات کتاب بدون لطمه زدن به کلیت آن قابل حذف است.
- ۴- ضمن برخورداری از مستندات و محکمت، مطالب خلاف واقع در کتاب کم نیست. که حتی در صورت سهوی بودن عیب بزرگی به حساب می‌آید. مثلاً در صفحه ۶۴ کتاب علت مرگ حاج آقا مصطفی در عراق سانحه اتومبیل عنوان می‌شود و اینکه امام عامل آنرا ساواک معرفی کرده‌اند. در صورتی که مرگ ایشان هنوز هم مشکوک است و هیچ وقت سانحه اتومبیل و دخالت ساواک حداقل به طور علنی از جانب امام اعلام نگردید.
- ۵- تناقض‌گویی در مطالب: در صفحه ۷۲

اعضاء اولیه حزب جمهوری را مخالف آراء و عقاید مترقی امام و دکتر شریعتی معرفی می‌کند و دو صفحه بعد امام را صاحب عقیده‌ای ارتجاعی می‌داند که مایل به بازگشت به ۱۳۰۰ سال قبل است.

- ۶- عدم شناخت دقیق احزاب و رهبران اصلی آنکه برای چنین فردی خطای بزرگی است. مثلاً در چند جا از مجاهدین ابراهیم یزدی نام می‌برد. در صورتی که چنین حزب و گروهی قبل و بعد از انقلاب وجود خارجی نداشته. همچنین مجاهدین یا دنباله خلق و انقلاب اسلامی باید از هم جدا شوند تا دیگر خطاهای موجود رفع گردد.
- ۷- در برخی صفحات و برای بیان پاره‌ای

نظرات که نقش مهمی در کار دارد از عبارت «به نقل از فردی آگاه» و شبیه آن استفاده شده که از قوت کتاب و مستندات آن کاسته. زیرا نقل این قبیل حرفها کار مشکلی نیست.

۸- نویسنده جرئت به خرج داده و در پاره‌ای موارد به پیش‌گویی پرداخته که البته گذر زمان خلاف آن را ثابت کرده. البته اشکال در محقق نشدن این پیش‌بینیها نیست بلکه انجام چنین عملی در یک کار تاریخی - تحلیلی ولو سطحی محل اشکال است.

۹- بزرگ جلوه دادن برخی وقایع و از قلم انداختن وقایع دیگر این گمان را تقویت می‌کند که نویسنده درصدد تلقین مدعیات خود به خواننده است. تکرار یک مطلب نیز می‌تواند نقش تلقین‌کننده داشته باشد. (فراغوش نشود نقد انگیزه به جای خود مهم است. فقط نباید جای نقد اندیشه را بگیرد)

۱۰- با توجه به شغل نویسنده، به نظر می‌رسد وی می‌توانست ابهام توطئه بودن یا نبودن انقلاب ایران را برطرف کند. در صورتی که کتاب و برخی مطالب آن سبب افزایش بیشتر این ابهام می‌شود که در برخی بخشها به آن اشاره شد.

با توجه به اینکه کتاب جنبه تاریخی و تحلیلی دارد و فاقد چارچوب تئوریک است، از لحاظ تئوریک قابل نقد نیست. ذکر این نکته در پایان ضروری است که بسیاری از مطالب کتاب تفسیر نویسنده از واقعه است و خواننده کتاب بایستی این را در نظر داشته باشد.

در ضمن کلیه علاقه‌مندان به مطالعه و تاریخ به دلیل فنی نبودن کتاب می‌توانند از آن استفاده کنند و شاید بهتر باشد بگوییم کتاب برای مخاطب عام نگاشته شده تا گروهی خاص.

#### پی‌نوشت:

- ۱- همان‌گونه که در نقد کتاب، اشاره خواهد شد، اخبار و تحلیلهای غیر واقعی در لایه لای مطالب آن از جمله در این مورد خاص - به وفور دیده می‌شود. این نکته بدیهی است که اسناد لانه جاسوسی به دست دانشجویان تسخیرکننده سفارت، کشف شد و اگر چه حزب جمهوری اسلامی تسخیر سفارت را تأیید کرد، اما هیچ ارتباط سازمانی میان حزب و تسخیرکنندگان وجود نداشت تا به زعم نویسنده برای مخالفان حزب، پرونده‌سازی شود.